

آیت‌الله اراکی از تاسیس سپاه بدر عراق تا تاسیس اتحادیه جهانی علمای مقاومت در لبنان/ افتخار می‌کنم تحت لوای امام خامنه‌ای مشغول فعالیت هستم



خبرگزاری تقریب: آیت‌الله محسن اراکی در خاندانی از دیار سلطان آباد اراک دیده به جهان گشود. پدر وی مرحوم آیت‌الله حاج شیخ حبیب‌الله اراکی از فقهای وارسته و برجسته عصر خود بود. او که دارای روحیه‌ای انقلابی و ضد استکباری بود به دلیل درگیری‌ای که با خاندان پهلوی به پیدا کرد به کشور عراق مهاجرت کرد، لذا محل تولد آیت‌الله محسن اراکی در همین دوران و در نجف اشرف است.

وی تحصیلات حوزوی خود را از سال ۱۳۴۷ در حوزه مبارکه نجف آغاز کرده و در محضر بزرگانی همچون حضرت آیت‌الله خویی، حضرت آیت‌الله شهید سید محمدباقر صدر، حضرت آیت‌الله سید کاظم حائری و دیگر شخصیت‌های برجسته نجف تلمذ کرد. آیت‌الله اراکی، تحصیلات خود را در قم در محضر شخصیت‌های برجسته‌ای همچون آیات عظام وحید خراسانی، تبریزی، جوادی آملی و مصباح یزدی ادامه داد. او از آغاز ورود به قم به همکاری با شهید قدوسی و شهید بهشتی در مدرسه حقانی دعوت شد و به تدریس علوم حوزوی در این مدرسه پرداخت.

همچنین ایشان در طول دوران دفاع مقدس ریاست دادگاه‌های خوزستان را به عهده داشت و نیز با حکم حضرت امام(ره) امامت جمعه شهرستان دزفول را بر عهده گرفته و در همین دوران به درجه رفیع جانبازی

وی در جلسه ای در سال ۱۳۷۳ خدمت مقام معظم رهبری رسید و ایشان خطاب به آیت ا اراکی فرمودند: «مسئولیت نمایندگی ما در انگلستان در شخص شما متعین است». لذا به دستور مقام معظم رهبری جهت تأسیس مرکز بزرگ اسلامی انگلیس و راه اندازی دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری در انگلیس به این کشور اعزام شد و در مدت تصدی این مسئولیت به تأسیس ده ها مؤسسه فرهنگی و دینی در انگلستان و شهرهای مختلف اروپا پرداخت. در همین زمینه تأسیس مرکز بزرگ اسلامی انگلیس در لندن، مرکز بزرگ اسلامی Trust Sakina، مسجد امام حسین لندن، مسجد اسلامی کرولی لندن، مرکز اسلامی منچستر، مرکز اسلامی بیرمنگام، مرکز اسلامی نیوکاسل، مرکز اسلامی کاردیف، مرکز اسلامی اهل بیت گلاسکو، مجتمع آموزشی و فرهنگی ایرانیان در لندن، مؤسسه بهار (ویژه تازه مسلمانان)، بنیاد جوانان فجر، مؤسسه بانوان مسلمان، بخشی از فعالیت های بنیادین وی در مدت مأموریت در انگلستان بود. هم زمان با پایان مأموریت در انگلستان وی در سال ۱۳۸۴ پس از ۱۰ سال فعالیت، با کسب اجازه از مقام معظم رهبری به وطن بازگشت و فعالیت های علمی و فرهنگی خود را در داخل کشور ادامه داد.

آیت ا اراکی پس از بازگشت از انگلیس، با حکم مقام معظم رهبری به عضویت شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و نیز شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام) منصوب و با انتخاب شورای عالی مجمع مزبور، به عنوان دبیر شورای عالی و همچنین دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی منصوب شد.

وی در حال حاضر علاوه بر دبیرکلی مجمع جهانی تقریب مذاهب، عضو مجلس خبرگان رهبری، عضو شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت، مؤسس مرکز اسلامی انگلیس و مجمع اندیشه اسلامی قم، عضو هیئت رئیسه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و یکی از استادان دروس خارج فقه و اصول در حوزه علمیه قم است.

همچنین وی تالیفات بسیاری در زمینه های مختلف علوم دینی داشته است که می توان از فقه نظام سیاسی اسلام در سه جلد، فقه نظام اقتصادی اسلام در سه جلد، نظریه حکومت در اسلام، طلب و اراده، صلاة الجمعة، اصول فقه نوین در سه جلد، نگاهی به رسالت و امامت در قرآن، آزادی و علیت، اصول عرفان ناب اسلامی، گفتمان بیداری اسلامی، گفتگوی بین دو مذهب و چندین اثر دیگر نام برد.

آیت ا اراکی در گفت وگو با تقریب، به تشریح مهم ترین فعالیت های تقریبی این مجمع در بین مذاهب و کشورهای اسلامی پرداخته که در ادامه از نگاهتان می گذرد:

در آغاز مصاحبه درباره مهم‌ترین رویکردهای مجمع تقریب مذاهب و اصول بنیادی و شرعی و دینی این دیدگاه توضیح دهید.

تقریب یک استراتژی کلان است که از سوی ائمه اطهار (س) مورد تأکید فراوان قرار گرفته و روایات بسیار زیادی هم از ائمه معصومین (ع) در این خصوص نقل شده که با مضامین مختلف بر لزوم ارتباط با عامه مسلمین از سوی شیعیان اشاره می‌کند.

بنابراین روایات، شیعیان نباید به گونه‌ای رفتار کنند که از جامعه مسلمین جدا شده و به عنوان یک فرقه جدا و جامعه منزوی در امت اسلامی شناخته شوند لذا شیعیان به حضور در نمازهای جماعت اهل تسنن، معاشرت محبت‌آمیز با فرق مختلف اسلامی و عدم اهانت به مقدسات آن‌ها سفارش شده‌اند.

مرحوم کلینی در این زمینه سند مهمی دارد؛ در ابتدای روضه الکافی نامه‌ای از سوی امام صادق (ع) خطاب به شیعیان ذکر و در آن تأکید شده است که شیعیان مکرراً آن را بخوانند و به مضامین این رساله عمل کنند. در همین روایت آمده است که شیعیان از این نامه نسخه برداری کرده و آن را در نمازخانه‌ها نصب می‌کردند تا به مضامین آن عمل کنند؛ ما می‌بینیم در این نامه بر نهی از انجام اعمالی که موجب نفرت اهل سنت شود اشاره شده است.

ابواب متعددی از احکام ابواب العشره مرحوم «صاحب وسائل» نیز به طرح روایات مختلف در این خصوص اختصاص دارد. بنابراین اصل تقریب نه تنها سنت ائمه اطهار (ع) بلکه فریضه واجبی است که امامان معصوم (ع) ما را مکلف به اجرای آن کرده‌اند و حتی افرادی را که علیه این شیوه عمل می‌کنند را شیعه نمی‌دانند.

بر همین اساس لازم می‌دانم روایتی را نقل کنم تا اساس کار تقریب از نظر شرعی روشن و دستور ائمه اطهار (ع) مخصوصاً امام صادق (ع) در این زمینه مطرح شود تا نصب العین همه ما که به عنوان شیعیان جعفری شناخته می‌شویم قرار گیرد. امام صادق علیه السلام تشهیر شیعیان را مذمت کرده‌اند. روایت این است سند روایت هم صحیح است «مرحوم حر عاملی» صاحب وسائل الشیعه در حدیث یک باب ۳۳ کتاب «ابواب الامر و النهی وسائل» این روایت را نقل کرده است که امام صادق (ع) با عبارات غلیظ و شدید رفتار کسانی که خود و شیعیان را تشهیر می‌کنند را مورد مذمت قرار می‌دهد.

تشهیر به چه معنا به کار رفته است؟

تشهیر یعنی سخنانی را عنوان کنند که برای عامه مسلمانان که همان اهل سنت هستند نامأنوس بوده و باعث شود که شیعیان انگشت‌نما و در جامعه مسلمین منزوی‌شده و آن‌ها به‌عنوان یک فرقه غیر ملتزم به دین یاد شوند؛ لذا توجه به این موضوعات اساس تقریب است.

آیا پیش از آغاز مأموریت در مجمع جهانی تقریب، فعالیت‌های تقریبی داشته‌اید؟

در خصوص مأموریت بنده در تقریب باید بگویم که رفتار ما بنا به توصیه ائمه اطهار (ع) از آغاز تقریبی بود و نخستین فعالیت تقریبی که ما انجام دادیم، حرکتی بود که در تاسیس سپاه بدر شروع کردیم. ما به عنوان نماینده امام راحل مأمور به تاسیس آن شده بودم. در ابتدا طبیعتاً شیعیان عراق بنا بر محبت و ارادتی که به مرجعیت و انقلاب اسلامی در ایران داشتند به مجموعه سپاه بدر پیوستند. کار بزرگی که ما انجام دادیم این بود که توانستیم با جذب جوانان آزادی‌خواه اهل سنت در سایر کشورهای منطقه آنان را به این مجموعه اضافه کنیم و شیعه و سنی برای اولین بار در کنار هم در مقابل مزدوران منطقه‌ای استکبار ایستادند.

ایجاد سپاه بدر برکات بسیاری داشت، از جمله آنکه نیروهای متخصص و مخلصی در این نهاد تربیت شدند، افرادی مثل ابومهدی مهندس که از نیروهای متعهد و متخصص ما بودند و اکنون نیز از فرماندهان ارشد حشدالشعبی در عراق هستند.

ظاهراً شما اولین گفتگو میان شیعیان و سلفیون در لندن را تشکیل دادید، لطفاً درباره جزئیات این مناظره بیشتر توضیح دهید.

به همت جمعی از دانشجویان برخی از کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس بین ما و آقای دکتر «محمد مسعری» ارتباطی برقرار و منجر به این گفت‌وگوی مذهبی شد. این گفت‌وگو مدتی شفاهی صورت گرفته و مقرر شد به‌صورت مکتوب تداوم یابد، در همین راستا ایشان به من پیشنهاد دادند در قالب نامه‌ای مبانی شیعه را در مسئله امامت خلاصه کنم، بعد ایشان پاسخ مفصلی برای نامه من نوشتند و این روند ادامه یافت و من در پاسخ به نوشته ایشان، جواب دیگری نوشتم تا اینکه ایشان گفت‌وگو را ادامه نداد که متن فارسی و عربی این گفت‌وگو منتشر شده است.

چگونه شد که در مجمع جهانی تقریب قبول مسئولیت کردید؟

پس از گذشت ۱۰ سال وقتی از لندن برگشتم از حضرت آقا درخواست کردم اجازه دهند که به حوزه علمیه قم برگردم و فعالیت‌هایم را در آنجا ادامه دهم که این اتفاق افتاد و از سال ۸۳ تا ۹۱ تمام فرصتم صرف بحث و تدریس شد تا اینکه در سال ۹۱ مأموریت ۱۰ ساله حضرت آیت‌الله تسخیری به‌عنوان دبیرکل مجمع تقریب مذاهب اسلامی به پایان رسیده و وضع جسمی ایشان هم برای ادامه این مسئولیت مساعد نبود.

انجام این مأموریت با پیشنهاد شورای عالی مجمع تقریب و با حکم مقام معظم رهبری به بنده واگذار شد؛ البته مبنای من در پذیرش این بود که در صورتی این مسئولیت را می‌پذیرم که فرد اصلح دیگری برای اجرای این مأموریت نباشد لذا همین عرض را خدمت مقام معظم رهبری منتقل کردم که من آمادگی هیچ مسئولیتی از جمله چنین مأموریتی را ندارم مگر اینکه به بنده فرض عین شود لذا ایشان فرمودند مسئولیت دبیرکلی مجمع تقریب متعین در شخص شماست.

درباره مسئله لندن هم به همین ترتیب بود چراکه ایشان هم فرمودند این وظیفه فعلاً در شما متیقن است و ما فرد دیگری را برای واگذاری این مسئولیت نمی‌شناسیم؛ البته این موضوع نیز مسبوق به سابقه بود و در زمان امام راحل هم که عهده‌دار مسئولیت دادگاه‌های خوزستان شدم این موضوع از سوی آقای قدوسی به بنده ابلاغ شد. به‌هرحال مقام معظم رهبری حکم بنده را صادر کردند که شرح آن در رسانه‌ها منعکس شد؛

پس از صدور این حکم، برای کسب توفیق در این عرصه خود را نیازمند همراهی علمای حوزه علمیه قم می‌دانستم و از این‌رو به دیدار اکثر مراجع رفتم.

با کدام مراجع دیدار داشتید؟

نخستین کسی که به این منظور خدمتشان رسیدم، «آیت‌الله العظمی وحید» بودند؛ علتش هم این بود که به مدت ۱۷ سال در محضرشان دروس فقه و اصول را تلمذ کرده بودم. البته ارتباط بنده با حضرت آیت‌الله وحید بیش از این‌ها و مربوط به دوران مرحوم ابوی بنده می‌شود که آیت‌الله در این خصوص فرمودند که مصاحبت چهل روز در حکم خویشاوندی است چه رسد به اینکه معاشرت ما قدمت ۷۰ ساله دارد. خدمت ایشان عرض کردم که چنین مأموریتی از سوی مقام معظم رهبری به بنده واگذار شده است؛ حضرت آیت‌الله در این خصوص ضمن اظهار خوشحالی و لطف، چند توصیه را به بنده متذکر شده و فرمودند این مأموریت بسیار مبارک است و از این‌رو حضور در این عرصه را تائید کرده و ادامه دادند که «من در خدمت شما هستم»؛ اگر این عبارت را خودشان به کار نمی‌بردند من هرگز این سخن را به زبان نمی‌آوردم.

مطلب سومی که آیت‌الله وحید فرمودند این بود که قبل از آغاز به کار به نیابت از حضرت موسی بن جعفر (ع) و حضرت فاطمه معصومه (س) به زیارت امام رضا (ع) بروید و پس از سلام به ایشان عرض کنید من از طرف شما این مأموریت را به عهده می‌گیرم و بدین ترتیب از حضرت درخواست کمک کنید. بنده نیز پس از گذشت یکی دو روز از آن دیدار، اطاعت امر کرده و به مشهد مشرف و در آنجا متوجه شدم که حضرت آیت‌الله صافی نیز در مشهد مقدس حضور دارند و خدمتشان رسیدم؛ ایشان نیز با مرحوم ابوی دوستی قدیمی داشتند و فرمودند مرحوم ابوی شما هم حجره اخوی ما بود و به همین ترتیب ایشان نیز مرا مورد لطف قرار داده و مانند حضرت آیت‌الله وحید از واگذاری چنین مسئولیتی اظهار خرسندی و مانند ایشان اعلام کمک و حمایت کردند.

در این دیدار در خصوص اصل تاریخ تقریب و تأکیداتی که مرحوم آیت‌الله بروجردی در این خصوص انجام داده بودند صحبت شد و فرمودند ابتدا قرار بود من از طرف آیت‌الله بروجردی به مصر بروم و دارالتقریب آنجا را افتتاح کنم اما این امکان فراهم نشد و این کار به مرحوم حاج آقا تقی قمی (رحمه‌الله) محول شد؛ بعد، ایشان هم مانند آیت‌الله وحید بنده را به زیارت امام رضا (ع) سفارش کرده و گفتند خدمت امام رئوف بگویید که من این مأموریت را از طرف شما می‌پذیرم و از حضرت درخواست پشتیبانی کنید.

بنابراین بنده هم امتثال امر کرده و به حرم ثامن الحجج (ع) مشرف شدم و مطالب را عرضه کرده و وارد این مأموریت شدم و خدمت سایر مراجع هم شرفیاب شدم. حضرت آیت‌الله مکارم که خودشان از السابقون حوزه تقریب هستند هم، ضمن تأکید بر ضرورت فعالیت اثرگذار در این بخش اعلام حمایت کردند؛ حضرت آیت‌الله سبحانی، مرحوم آیت‌الله موسوی اردبیلی، آیت‌الله سید کاظم حائری - که افتخار شاگردی در محضر ایشان از مقدمات را داشتم تا اینکه به رسائل و خارج رسیدیم و ارتباط ما سابقه ۵۰ ساله دارد - آیت‌الله علوی گرگانی و بدین ترتیب خدمت عامه مراجعی که به آن‌ها دسترسی داشتم، رسیدم و همه بر مبارکی این امر تأکید کردند.

مراجع مرا به حضور در این عرصه تشویق کردند و ما هم با توکل به خدا و توسل به عنایت ائمه معصومین (ع) مخصوصاً امام رضا (ع) و شخص حضرت ولی‌عصر (عج) که صاحب همه ما هستند و اعمالمان از نظر ایشان می‌گذرد، کار را شروع کردیم.

شروع فعالیت شما در مجمع جهانی تقریب با چه چالش‌هایی مواجه بود؟

قبل از بررسی و تشریح جزییات برگزاری کنفرانس وحدت، لازم می‌دانم که به این مسئله اشاره کنم که

تصدی من به این مسئولیت مصادف با اوج گیری توطئه و آتش افروزی در جامعه اسلامی بود.

البته دشمنان همواره درصدد ایجاد دسیسه و دامن زدن به اختلافات بوده اند، بالاخص سازمان جاسوسی انگلیس که سابقه بسیار طولانی در این خصوص دارد و طی سال های گذشته این توطئه را با ایجاد جنگ داخلی در جامعه اسلامی به اوج خود رساندند.

از سوی دیگر داعش توسط آمریکا تأسیس شده بود و حمایت از گروه های افراطی شیعه و سنی با سه نوع پشتیبانی گسترده از سر گرفته شد. همان طور که مستحضر هستید حمایت مالی یکی از مهم ترین موارد پشتیبانی استعمار از گروه های افراطی است، بعضی از این اموال متعلق به دستگاه های آمریکا و انگلیس بود و اوپاما هم در یکی از سخنرانی های خود اعلام کرد چند ۱۰ میلیارد دلار را برای پشتیبانی از گروه هایی که هدف آن ها ایجاد تفرقه بین ملت های مسلمان است اختصاص داده ایم.

از سوی دیگر کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس نظیر عربستان و امارات نیز همیشه با امکانات مالی خودشان کمک حال این دستگاه های جاسوسی بین المللی بوده و به حمایت از داعش و گروه های افراطی پرداخته اند و تقسیم کاری در این خصوص صورت گرفته است تا بدین ترتیب هر دولت از کدام یک از گروه های افراطی پشتیبانی کند.

پشتیبانی رسانه ای یکی دیگر از برنامه های حمایتی از گروه های افراطی بود که به صورت گسترده نیز رخ داده است؛ اگر بگوییم که این حمایت رسانه ای تاکنون به نفع یا ضرر هیچ گروهی اتفاق نیفتاده بود گزاف نیست اما این امر در این دوره به نفع گروه های افراطی که علیه جمهوری اسلامی بودند صورت گرفت و رسانه های زیادی در این راستا تأسیس شدند تا طی آن شبهاتی را در خصوص عقاید مختلف ایجاد کرده و آن را به گروه ها و مذاهب مختلف نسبت دهند تا میان آن ها تفرقه ایجاد شود.

آن ها حتی برای رسیدن به این هدفشان از توهین به مقدسات نیز بهره می بردند؛ مثلاً در بین اهل سنت ماهواره هایی نظیر کلمه، وصال و... تأسیس و در بین افرادی که ادعای تشیع دارند قریب ۳۵ شبکه ماهواره ای به زبان های مختلف توسط گروه شیرازی و گروه غزی ایجاد شد که همه آن ها یک خط را دنبال می کردند و آن شامل تضعیف مبانی عقیدتی بود. هدف این شبکه ها که نام تشیع را یدک می کشند، گسترش خرافات و بدعت ها و معرفی آن ها به عنوان اصول شیعه است و طی آن بعضی از این برنامه ها کارهایی که مخالف مذهب و سیره ائمه (ع) است را ترویج می دهند که حمله به مرجعیت شیعه و سعی در ایجاد نفاق میان مردم و مرجعیت اصیل و ایجاد محورهای مرجعیتی کاذب و روانه کردن مردم به سوی مراجع منحرف

از جمله این اقدامات است. ایجاد این جنگ روانی نیز در حاشیه همان مسئله دوم که جنگ تبلیغاتی و رسانه‌ای است و توسط بنگاه‌های جاسوسی مدیریت می‌شود.

کار سوم ایجاد جنگ میدانی در عراق، سوریه، افغانستان، پاکستان و ... است؛ بنای اصلی آن‌ها این بود که این جنگ را به داخل مرزهای ایران بکشند که به فضل خداوند این اتفاق نیفتاد؛ بر همین اساس تأسیس گروه ریگی، الفاعده و داعش در ایران نیز با هدف ترویج تفکرات این گروه‌ها و همچنین گسترش جنگ نظامی انجام شد که الحمدا این توطئه نیز با لطف خداوند و عنایت حضرت ولی‌عصر (عج) و هوشیاری مسئولان امنیتی در کشورمان دفع شد.

در بُعد نظامی چگونه جلوی پیشروی دشمنان در کشورهای اسلامی گرفته شد؟

با همت رزمندگان اسلام و سردارانی همچون حسین همدانی، تقوی و فرماندهی کلان حاج قاسم سلیمانی در عراق و سوریه شکست دشمنان رقم خورد، البته رگه‌هایی از آن همچنان وجود دارد و ان‌شاءا با همت مردم و جبهه مقاومت ریشه‌های این جریان سوزانده و نابود می‌شود.

بنابراین ما باید برنامه‌های تقریب مذاهب اسلامی را در چنین شرایطی تدوین و در بحران کینه آفرینی پیش می‌بردیم لذا این مسئله سختی‌هایی را به دنبال داشت، به نحوی که در هرکجای جهان اسلام نظیر عربستان که قدم می‌گذاشتیم برایمان مانع‌تراشی می‌کردند زیرا این کشورها که مجری سیاست‌های آمریکا در منطقه ما بودند درصدد بودند مانع حضور و اثرگذاری ما در این حوزه شوند و در صورتی که اقدامی صورت می‌گرفت به دنبال تخریب آن بودند.

این شرایط طوری بود که همه شبکه‌های عرب‌زبان از اندونزی گرفته تا موریتانی در جهت تضعیف این فعالیت‌ها اقدام می‌کردند اما به لطف خداوند علیرغم این سه مانع که شامل حمایت مالی، رسانه‌ای و نظامی بود به هرکجا که وارد شدیم آثار کار این مجموعه‌های فتنه‌انگیز را خنثی کردیم و امروز به ضرس قاطع می‌گوییم که جریان غالب در جهان اسلام یعنی از اندونزی گرفته تا مالزی، هندوستان، پاکستان، آسیای میانه، ترکیه، مصر، شمال آفریقا، آفریقای جنوبی، آمریکای جنوبی و هر جا که مسلمان و جامعه اسلامی وجود دارد، جریان تقریب و وحدت حاکم است.

حضور شما چه تغییراتی را در ساختار و پیکره تقریب به دنبال داشت؟

برنامه‌های ما زمینه تحول در تشکیلات خود مجمع تقریب را نیز فراهم کرد چراکه سازمان مجمع جهانی تقریب برای چنین مأموریتی در این شرایط ساخته نشده بود و آن سازمان نهایتاً می‌توانست کارهای بسیار محدودی را در شرایط عادی سازمان‌دهی کند.

عمده این فعالیت‌های خوب نیز بر دوش خود آیت‌الله تسخیری بوده و محدود بود اما پس از حضور اینجانب ما ناچار به ایجاد تحول در تشکیلات تقریب شدیم.

بنابراین معاونت‌ها را به ۶ معاونت توسعه داده و حضورمان را در جهان اسلام تقویت کردیم و از سوی دیگر شیوه کار را از حالت گفتمانی محض به کارهای میدانی سوق دادیم و در وهله اول کنفرانس‌ها را در سراسر دنیا برگزار کردیم و فعالیت‌هایمان فراتر از برگزاری کنفرانس وحدت اسلامی شد.

برگزاری کنفرانس ۳ هزار نفری قاضی احمد در پاکستان یکی از این موارد است که بسیار اثرگذار بود؛ نظیر این برنامه‌ها را در هندوستان، مالزی، اندونزی، مصر و تونس نیز به‌طور مستقیم یا با پوشش نهادهای بومی آن مناطق انجام دادیم اما خود ما پشتیبان اصلی برنامه‌ها بودیم.

کنفرانس بین‌المللی وحدت به عنوان بزرگترین کنفرانس بین‌المللی سالانه در جمهوری اسلامی ایران چه تأثیراتی در سطح داخلی و خارجی داشته است؟

این کنفرانس‌ها اثر بسیار بزرگ و مطلوبی بر جهان اسلام دارد؛ به‌عنوان مثال وقتی چندین هزار نفر که شامل نخبگان و علمای گروه‌ها و مذاهب مختلف هستند در قالب برپایی این کنفرانس‌ها در آفریقا دورهم جمع می‌شوند فضای عمومی به نفع تقریب و جمهوری اسلامی تغییر می‌کند.

یکی دیگر از اقدامات صورت گرفته این بود که با تدوین برنامه‌های مختلف به عملیاتی کردن برنامه‌های تقریب پرداختیم که راه‌اندازی اتحادیه‌های اصناف و اقشار مختلف از جمله آن‌ها بود؛ به‌عنوان مثال اتحادیه علمای مقاومت – که علمای جهان اسلام که غالباً نیز اهل سنت بودند در آن عضو بودند –، اتحادیه زنان مسلمان فعال، اتحادیه جوانان، فرهنگیان و دانشگاهیان تقریبی، اتحادیه سادات و بدین ترتیب تقریب را به بطن اقشار مختلف بردیم تا در هر قشری به شکلی عجین شد و این‌گونه عناصر فعال و مؤثر آن قشر در حوزه تقریب فعال شدند.

همچنین تأسیس دفاتر تقریب در جهان و فعال‌سازی خبرگزاری تقریب همگی در جهت اشاعه فرهنگ تقریب

از سوی دیگر بازسازی کنفرانس تقریب از آن شیوه کلاسیک و سنتی یکی دیگر از اقدامات دوره مدیریتی اینجانب است بدین صورت که در حال حاضر برنامه به همه روزهای هفته وحدت توسعه یافته است و کنفرانس وحدت تنها یکی از برنامه های این هفته است.

علاوه بر این شخصیت هایی را به این کنفرانس دعوت می کنیم که اثرگذارتر و محوری تر باشند و موضوعات مطرح شده نیز مسائل و دغدغه های جهان اسلام است علاوه بر این برنامه های متعددی در این هفته به صورت بین المللی برگزار می کنیم و بحمدالله اجرای این برنامه ها باعث شده که تقریب به صدای واحد و جریان غالب تبدیل شود.

البته اگر امکانات بیشتری در اختیار ما بود و رسانه ملی و رسانه های دیگر همکاری بیشتری با ما داشتند پیشرفت ها خیلی بیشتر از این هم می شد اما متأسفانه در حال حاضر تنها هستیم و این اقدامات گسترده را با یک بودجه بسیار محدود انجام می دهیم درحالی که در عرصه رسانه هیچ کمکی به ما نشد و ما کارها را با امکانات داخلی خودمان سازمان دهی کردیم.

یکی از مشکلات ما در حوزه تقریب این است از زمانی که گفتمان تقریب در جهان فعال شد، همه دم از تقریب می زنند و صاحب اثر زیاد شده است و نهادهای دیگر موازی کاری می کنند؛ البته ما از این اقدامات استقبال می کنیم اما اگر این کارها با هماهنگی صورت بگیرد و هم پوشانی داشته باشند مطمئناً اثرات مطلوب تری را به دنبال خواهد داشت.

شبهات زیادی درخصوص هزینه کنفرانس وحدت مطرح می شود و برخی می گویند که این کنفرانس بسیار پرهزینه است و آن نتیجه ای که باید داشته باشد را نداشته است، نظرتان دراین باره چیست؟

طرح این مسئله مانند این است که بگوییم حج به چه درد می خورد؛ در حالی که قطعاً هزینه ای که در حج می شود میلیون ها برابر خرج کنفرانس وحدت است. در حج مسلمین نقاط مختلف دنیا در یک مکان گرد هم جمع می شوند و یکدل و یکسخن بیشترین تأثیر را در افکار عمومی مسلمانان سراسر دنیا برای ایجاد وحدت ایجاد می کنند.

در کنفرانس وحدت نیز حدود ۴۰۰ - ۳۰۰ شخصیت اثرگذار از کشورهای مختلف جهان اسلام از شرق تا غرب

دعوت می‌شوند و این افراد با یکدلی به تعامل با یکدیگر می‌پردازند و یک شعار را تکرار و مشکلات جهان را مطرح کرده و راه‌حل‌هایی را برای برون‌رفت از این مشکلات ارائه می‌دهند و همین راهکارها پس از مراجعت در کشورها پیاده می‌شود.

برپایی کلاس‌های آموزشی و حتی ایجاد تغییر در سیستم آموزشی که به نفع وحدت اسلامی باشد ازجمله موضوعاتی است که در این کنفرانس مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

برپایی کنفرانس‌های محلی، فعالیت‌ها برای گسترش تقریب و مقابله با جریان‌های ضد تقریبی از دیگر اصول و مبانی است که طی این کنفرانس مطرح شده و نخبگان ضمن تبیین این مسئله و ارائه راهکار و پیشنهاد به اجرای این مباحث در کشورها یشان اهتمام می‌ورزند.

از طرف دیگر نفس برگزاری این گردهمایی عامل مهمی برای یکدلی و رفع شبهات القا شده از طریق هجوم رسانه‌ای است و آن‌ها می‌توانند جبهه‌ای را برای مقابله با این جنگ تبلیغی ایجاد کنند و همین پاتک روانی نقش مهمی در تقویت فرهنگ تقریب دارد.

همچنین حضور این افراد در کشورمان باعث می‌شود که آن‌ها از نزدیک با جمهوری اسلامی و فرهنگ حاکم بر آن آشنا شوند و از این‌رو بسیاری از فتنه‌ها و تبلیغات ضد نظام خنثی شود چرا که آن‌ها با عظمت، پیشرفت و وحدت مردم در جمهوری اسلامی آشنا می‌شوند و از نزدیک می‌بینند که در سایه این نظام اسلامی، اهل سنت در کنار شیعه بدون هیچ مسئله و مشکلی زندگی می‌کنند و مؤسسات اهل سنت را دیده و متوجه فعالیت آزادانه آن‌ها و حضور اقلیت‌ها و اهل سنت در مجلس و سایر نهادها می‌شوند و می‌بینند که مراسم نماز جماعت آن‌ها برقرار است.

تبلیغات دشمن علیه جمهوری اسلامی که اهل سنت دچار تبعیض و مشکل هستند دروغ است و همین حضور در کنفرانس و این بسیج رسانه‌ای باعث می‌شود اهل سنت دنیای اسلام فریب تبلیغات دروغین دشمنان را نخورده و این توطئه‌ها عملاً باطل می‌شود.

اجتماع بزرگ علما در محضر مقام معظم رهبری و ارشادات و استراتژی‌هایی که ایشان برای جامعه اسلامی ترسیم می‌کنند بسیار اثرگذار است. همچنین سخنرانی مقامات عالی کشور در این کنفرانس و حضور علما و پیام‌های ایشان به کنفرانس وحدت، شرکت‌کنندگان را در مسیر وحدت و همچنین اهداف انقلاب اسلامی بسیج می‌کند و از این‌رو کاری که در کنفرانس اسلامی صورت می‌گیرد یکی از مهم‌ترین اقداماتی است که باعث

ماجرای مفتی اعظم یکی از کشورهای اسلامی که پس از بازگشت از این کنفرانس دچار تحول عمیقی شد، چه بود؟

در این باره مصداق بسیار زیاد است، ما در سفرهای خود متوجه این اثرگذاری می‌شویم، همین علما به واسطه حضور در این کنفرانس‌ها و آشنایی صحیح با نظام جمهوری اسلامی به صف مدافعان ما در دنیا می‌پیوندند چراکه این حضور به آن‌ها نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی خط مقاومت علیه استکبار جهانی را دنبال کرده و توانسته با اقتدار همه مشکلات داخل کشور را حل کند و یا در مسیر حل و فصل قرار دهد.

خود این مسئله دستاورد بزرگی است چرا که آن‌ها با حضور در مجامع خود می‌گویند شما که می‌گویید نمی‌توانیم در مقابل آمریکا دفاع کنیم جمهوری اسلامی را باید الگوی خودمان قرار دهیم.

یکی از مهمانان ارجمند کنفرانس وحدت که یک‌زمان وزیر اوقاف تونس و از افراد بانفوذ این کشور است نقل کرد، کسی برایش گفته بود من از میهمانان کنفرانس وحدت بودم و نیمه شب از هتل بیرون آمدم تا ببینم نیمه شب در شهر چه خبر است و مردم در چه حالی هستند. به یک پارک رسیدیم و دیدم این ساعت شب چند دختر نوجوان مشغول بازی تنیس هستند و از آن‌ها پرسیدم نمی‌ترسید در این موقع شب کسی به شما آزاری برساند و آن‌ها در پاسخ گفتند اینجا کشور امنی است و این برنامه همیشگی ماست، او گفته بود در کشور ما هیچ زن و دختری در تاریکی جرات بیرون آمدن از خانه را ندارد اما مردم ایران آزادانه در پارک‌ها حضور دارند و من این فضا را که این موقع شب مردم آن قدر شاد کنار هم باشند را در هیچ کجای دنیا ندیده‌ام.

همین مسئله یکی از آثار کنفرانس وحدت است که ما برخوردهای زیاد این چنینی داشتیم، بنا بر این مخاطبان اصلی ما همین افراد حاضر در کنفرانس وحدت هستند که پرچم جمهوری اسلامی را در سراسر دنیا به اهتزاز درمی‌آوردند و به نفع جمهوری اسلامی موضع می‌گیرند.

البته برخی از رسانه‌های عربی زبان مثل المیادین و المنار و تا حدودی العالم هم اثرگذار هستند اما آنچه بیش از همه اثرگذاری میدانی و ریشه‌ای دارد همین فعالیت‌های مجمع تقریب به ویژه کنفرانس وحدت و سایر برنامه‌های انجام شده در این حوزه است که البته دوباره تأکید می‌کنم که ما در طول

سال در سراسر جهان کنفرانس داریم منتهی آن‌ها را بین کشورها تقسیم می‌کنیم تا کادرهای اثرگذار همان مناطق با نام و عنوان خودشان به تأسیس این کنفرانس‌ها بپردازند و این کار اثرات گسترده‌ای هم در جهان اسلام داشته است.

یکی از مصادیق این اثرگذاری آن است که همه کشورهای اسلامی از اندونزی گرفته تا هند، عراق، پاکستان و تونس خواستار این هستند که ما در کشورهای آن‌ها دفتر تأسیس کنیم. اما مسئله عجیب در این میان آن است که در فعالیت‌های تقریبی مشکل چندانی با خارجی‌ها نداریم و متأسفانه بیشترین مشکلات از ناحیه داخل است و برخی نهادها و عناصر داخلی در این خصوص مانع‌تراشی می‌کنند.

شما پیش از این مؤسس اتحادیه جهانی علمای مقاومت جهان اسلام بودید و این اتحادیه در سال‌های اخیر خوش‌درخشیده است، از ابتدا چگونه شد که به تأسیس این اتحادیه رسیدید و اثرات آن را در جهان اسلام چه بود؟

یکی از شخصیت‌های مؤثر در شکل‌گیری این اتحادیه خود جناب سیدحسن نصرالله و مجموعه ایشان است. پذیرش دبیرکلی این اتحادیه از سوی «شیخ ماهر حمود» هم یکی از عناصر توفیق ما در این کار بود و تاکنون بیش از ۸۰۰ عالم بزرگ و اثرگذار اهل سنت در سراسر جهان به عضویت این اتحادیه درآمده و قریب ۱۷ – ۱۶ مورد از تشکیلات علمای جهان اسلام به این مجموعه پیوسته‌اند.

الحمدالله این اتحادیه به یک مجموعه اثرگذار تبدیل شده است و در چند سال اخیر که با تبلیغات بسیار مسموم و سنگین عربستان و دستگاه‌های جاسوسی انگلیس، آمریکا و موساد علیه این اتحادیه برخورد کردیم یکی از عناصر مؤثر در خنثی کردن این توطئه‌ها همین اتحادیه بود که با اقدامات سنجیده و به‌موقع باعث تقرب و وحدت جهان اسلام شد و این موج تبلیغی شکسته شد.

این اتحادیه در جهان اسلام جا افتاده است و حمایت علما از جریان مقاومت در فلسطین، لبنان، سوریه و نقاط دیگر بسیار اثرگذار است و ادامه دارد. به طور مثال سال گذشته ما نشست بین‌المللی این اتحادیه را با پیام مقام معظم رهبری در بیروت و در مجاورت سفارت عربستان سعودی و با حدود یک هزار میهمان برگزار کردیم. میزان اثرگذاری این نشست به قدری بود که برخی از تحلیلگران منطقه‌ای ماجرای گروگانگیری سعد حریری توسط سعودی را مرتبط با همین نشست میدانند.

البته که برای حکومت سعودی بسیار نگران‌کننده است که در بیروتی که تا مدتی قبل بعنوان حیات خلوت

او در منطقه محسوب میشد یک همچون نشست عظیمی بر علیه او و مزدورانش برگزار بشود.

در خصوص سفری که به برزیل داشتید و اثرات این سفر توضیح دهید.

در بسیاری از این سفرها خاطرات استثنایی داریم؛ سفر برزیل هم جز سفرهای بسیار خوب و استثنایی بود، ما طبق سیاستی که داریم بسیاری از کنفرانس‌ها را تحت پوشش نهادهای کشورها برگزار می‌کنیم و در همین راستا یکی از نهادهای معروف و مراکز اسلامی فعال آنجا با همکاری و پشتیبانی ما کنفرانسی را در همین خصوص ترتیب داد که محورهای آن در خصوص مقابله با جریان‌های افراطی و تکفیری بود.

آن‌ها از ما برای حضور در این کنفرانس دعوت به عمل آوردند و ما نیز اجابت کردیم، از همان روزهای اول که برنامه برگزاری این کنفرانس قطعی و اطلاعیه‌های آن از سوی مؤسسه مزبور منتشر شد، جریان‌هایی علیه این کنفرانس مشغول به فعالیت شدند تا مشکلاتی را برای برپایی آن ایجاد کنند و به همین دلیل با برخی شخصیت‌ها تماس گرفتند که در این برنامه حضور پیدا نکنند.

عربستان سعودی نیز از کشورهای مختلف خواست که مجوز حضور علما برای شرکت در این کنفرانس را صادر نکنند؛ دو سه روز قبل از برگزاری مراسم، هتلی که برای اسکان میهمانان و برپایی کنفرانس رزرو شده بود قرارداد را لغو کرد، البته ما برای این‌گونه موارد تدابیری اندیشیده‌ایم و افرادی را چند روز قبل برای برپایی مقدمات این کنفرانس به برزیل اعزام کرده بودیم و این نقایص با درایت دوستان حل‌وفصل شد.

از طرف دیگر تبلیغات زیادی را هم علیه این کنفرانس به راه انداخته بودند و عوامل این جریان از بدو ورود بنده به برزیل فیلم‌برداری کردند و یکی از رسانه‌های پربیننده برزیلی از همان شب اول اقامت من در برزیل اقدام به تبلیغات منفی کرد که فلانی از ایران برای سخنرانی علیه یهودیان آمده است.

آن‌ها می‌خواستند با این ادعا بهانه‌ای را برای اخلاص به دست مخالفان بدهند که الحمدا با تلاش دوستان ما همه لابی‌هایی که در وزارت خارجه برزیل و نهادهای دیگر صورت گرفته بود خنثی شد.

در آن سفر هیچ جریان‌ی نتوانست برنامه ما را لغو کند و این در حالی بود که تبلیغات علیه این کنفرانس بسیار بود، حتی عنوان شد که دولت ایران درصدد نابودی ملت و دولت اسرائیل است تا فضای

عمومی را علیه ما تحریک کنند اما این فضای روانی اثرگذاری چندانی نداشت چراکه ما اقداماتی را برای خنثی‌سازی این توطئه‌ها پیش‌بینی کرده بودیم.

البته جنبه مثبت این سیاه نمایی این بود که همه رسانه‌ها مشتاق شدند که این کنفرانس را پوشش خبری دهد و این در نهایت به نفع ما شد. اگر ما می‌خواستیم خودمان رسانه‌ها را برای انعکاس اخبار بسیج کنیم نتیجه کمتری از آنچه آن‌ها برایمان مهیا کرده بودند به دست می‌آوردیم و بدین ترتیب مصاحبه‌های زیادی را با رسانه‌ها انجام دادیم و بدون استثنا نخستین سؤالشان هم این بود که چرا شما قائل به نابودی رژیم اسرائیل هستید و چرا علیرغم اینکه این رژیم در سازمان ملل کرسی دارد، شما چنین اعتقادی دارید. پاسخ شما چه بود؟

پاسخ من این بود که ما اصلاً خواستار نابودی این رژیم نیستیم، بلکه معتقدیم که اصلاً چنین رژیمی وجود ندارد و دلیلش هم این است که در عرف بین‌المللی کشور تعریف دارد و هر کشوری باید دارای سه رکن ملت، خاک و حاکمیت باشد که رژیم صهیونیستی حائز این ارکان نیست و سرزمین ندارد و دوم اینکه می‌پرسید ملت اسرائیل چه هویتی دارد، آیا هویت آن‌ها در تاریخ ثبت شده است؟

آنچه مشخص است این است که مردم کشورهای مختلف در آن سرزمین که اسرائیل می‌نامند زندگی می‌کنند و حتی نخست‌وزیر، وزرا و صاحب‌منصبان این رژیم تابعیت سایر کشورها را دارند لذا این افراد را نمی‌توان ملت نامید. از طرف دیگر ثبات جزء لاینفک حاکمیت است، دولتی که از بدو تشکیل تاکنون همیشه از درون و بیرون در جنگ موجودیت بوده است چگونه می‌تواند ادعای حاکمیت کند.

این منطق ما خیلی اثرگذار بود و را ایجاد کرد و توانستیم از این فضای بد تبلیغاتی به نفع جمهوری اسلامی بهره‌مند شویم. البته در این گفت‌وگوها این نکته را هم یادآور شدیم که مقام معظم رهبری و رهبران سیاسی برای حل این مشکل، راهکار ارائه داده‌اند و آن مراجعه به آرای عمومی ساکنان اصلی آن منطقه است، آیا این پیشنهاد بدی است؟

همه این مطلب را تصدیق کردند و این‌چنین آن کنفرانس با حضور علمای داخل و خارج برگزار شد و شخصیت‌های مختلف از جمله علمای دینی، شخصیت‌های سیاسی - فرهنگی و نخبگان در آن حضور داشتند.

نقش مقام معظم رهبری در شکل‌گیری و پیشروی اقدامات موفق مجمع تقریب را چطور تحلیل می‌کنید؟

اساس مجمع تقریب را مقام معظم رهبری بنا نهاده‌اند و اگر هدایت‌ها، حمایت و روشنگری‌های مختلف ایشان نبود مجمع تقریب اصلاً ایجاد نمی‌شد و حتی تداوم و گسترش هم نداشت.

همه اقدامات ما با پشتیبانی ایشان و در راستای خطوط کلی است که ایشان برای فعالیت مجمع تقریب ترسیم کرده‌اند؛ به‌ویژه در حکم بنده سیاست‌هایی کلانی که مورد توجه قرار گرفته بود مسئله «دیپلماسی وحدت» و ضرورت به کارگیری این امر در مسیر ایجاد امت واحد اسلامی و ضرورت مقابله با جریان‌های تکفیری و افراطی بود. ما مفتخریم که در سایه توجهات امام خامنه‌ای مشغول فعالیت هستیم و بنا داریم مجموعه رهنمودها و خطوط کلی که ایشان در خصوص تقریب بیان فرموده‌اند را در پژوهشگاه تقریب جمع‌آوری و آن را به‌عنوان منشور تقریب در اختیار همگان قرار دهیم.

خاطره‌ای از دیدار با مقام معظم رهبری پیرامون موضوع تقریب و توصیه‌های ایشان دارید؟

بله خاطره زیاد است؛ یکی از شخصیت‌های بزرگ اهل سنت که در جهان اسلام بسیار معروف و از رهبران برخی از جریان‌های جهان اسلام به شمار می‌آید مدتی موضع‌گیری منفی علیه جمهوری اسلامی داشت و نقدهای خیلی تندی را ارائه می‌داد.

بنا داشتم با وی دیداری داشته باشم اما قبل از آن خدمت آقا رفته و ضمن ارائه گزارشی از مواضع منفی وی، به ایشان گفتم نظرتان در خصوص این ملاقات چیست؟ مقام معظم رهبری فرمودند با همه حرف‌هایی که زده است ما همچنان این آقا را از خودمان می‌دانیم و همین‌طور هم شد؛ بعدها که با او ملاقات کردیم مواضع این رفیق ما دچار تغییر و تحول و تبدیل به یکی از مدافعان جمهوری اسلامی شد. در مقابل شخصیت برجسته دیگری در جهان اسلام بود که با مواضع ما همراهی می‌کرد، وقتی این مطلب را خدمت آقا نقل کردیم و خواستار حمایت ویژه از ایشان شدیم.

رهبری فرمودند که این فرد دلش با ما نخواهد بود، از این فرمایش متعجب شدم چون آن بنده خدا با ما همراه بود؛ لذا این نگاه نافذ و بصیرت حکیمانه رهبری که پشت پرده امور را می‌بیند برای ما درس بود و همین‌طور هم شد و همین شخص بعدها بد عمل کرد و این در حالی بود که محبت زیادی هم به او کرده بودیم.

سایر کشورها و مذاهب چه نگاهی نسبت به رهبر معظم انقلاب دارند؟

در خیلی از مناطق اهل سنت آن‌ها از مقام معظم رهبری تقلید می‌کنند، اخیراً گروه خیلی بزرگی از اهل تسنن ترکیه می‌گفتند که مقام معظم رهبری را ولی امر خودمان می‌دانیم و امرشان برایمان مطاع است.

نظیر این اتفاق در کشورهای دیگر نیز رخ داده است اما از بابت برخی کوتاهی‌ها در معرفی شخصیت ایشان خیلی گله‌مند هستم چرا که رسانه ملی خارج از گود عمل می‌کند و اصلاً در این عرصه‌ها نیست و از ضعفش هر چه بگویم کم گفته‌ام، وزارت امور خارجه نیز به همین ترتیب عمل می‌کند و هنوز نتوانسته با ایرانی‌های خارج از کشور ارتباط صحیح برقرار کند چه رسد به جهان اسلام.

برای وزارت امور خارجه اصلاً مسئله‌ای به نام جهان اسلام مطرح نیست، آن‌ها فقط آمریکا و اروپا را جهان می‌دانند و نهادهای فرهنگی – تبلیغی هم که تکلیفشان مشخص است. بنابراین یا کاری نمی‌کنند یا اینکه فعالیتشان خیلی ضعیف است؛ تنها مرکزی که در این خصوص خوب کار کرده است «جامعه المصطفی» است که به‌واقع در جهت تقریب و وحدت جهان اسلام بیش‌تر از ما اثرگذاری فرهنگی دارد و باید از این نهاد قدردانی کنیم.

نظر مفتیان، وزرا و شخصیت‌های جهان اسلام پیرامون حضرت آقا به چه صورت است؟

از این قبیل مطالب زیادی داریم که باید آن‌ها را جمع‌آوری کنیم، آقای «احمد طیب» شیخ الازهر بسیار نسبت به شخصیت مقام معظم رهبری اظهار ارادت داشته و دارد و ایشان را رهبری حکیم و دردمند نسبت به مسائل جهان اسلام نامیده است.

نظیر این عبارت از ایشان بسیار مطرح شده است و حضور ذهن ندارم که عین جملاتشان را بیان کنم اما علمای دیگری مانند شیخ احمد زین، علمای هند، تونس، پاکستان، اندونزی، مالزی از جمله این افراد هستند که فراتر از این عبارت‌ها را در وصف مقام معظم رهبری بیان کرده‌اند که مستند کردن اصل این عبارات بسیار ارزشمند است.

مقام معظم رهبری امروز در جایگاهی قرار دارند که دشمنان نیز به حکمت، بصیرت و قدرت ایشان اذعان دارند و ایشان را به‌عنوان یک شخصیت فوق‌العاده معرفی می‌کنند.

در توانمندی ایشان همین بس که قریب ۳۰ سال است که مملکت را در سخت‌ترین و بحرانی‌ترین شرایط با

بهترین شکل اداره کرده‌اند و بدین ترتیب هم وحدت ملت حفظ شده و هم مسیر انقلاب را در خط امام و اهداف انقلاب نگه داشته‌اند و علاوه بر این‌ها بر اقتدار و اعتبار نظام نیز افزوده‌اند و این‌ها همه نعمت‌های بزرگی است که باید خدا را شاکر باشیم.